

نگاه «جوان» به فیلم‌ها و سریال‌های شاخص ساخته شده با محوریت آزادگان

یوسف گمگشته در سینما و سیما

■ محسن محمدی

۲۶ مرداد مصادف است با سالروز آغاز بازگشت عزتمندانۀ آزادگان به میهن. با گذشت ۲۹ سال از بازگشت آزادگان به وطن در میان آثار نمایشی که روی پرده نقره‌ای یا قاب جادویی با نگاهی به زندگی این از خودگذشتگان نقش و جان گرفتۀانه بیش و کم آثاری قابل اعتنا هم قابل مشاهده است که البته سینما نسبت به تلویزیون، دستکم در کیفیت سهم بیشتری دارد. برخی آثار هم گرفتار کلیشه بوده‌اند و مبتلا به شعارزدگی. با این حال دست هنر هفتم و قاب کوچک چندان هم خالی نیست. در سینما، پرواز از اردوگاه، قاصدک، واکت، دیدار، رنجر، نفوذی، بوی پیراهن یوسف، کیمیا، معصوم، دول، اخراجی‌ها، بیداری رؤیاها، مردی شبیه باران و دست‌های خالی را می‌توان مثال زد و در سیما نیز دی دیگر، بازگشت پرستوها، قفسی برای پرواز و دولت مخفی قابل ذکر است. به بهانه قرابت به سالروز بازگشت آزادگان به کشور نگاهی کوتاه و موجز داشته‌ایم به فیلم‌ها و سریال‌های شاخص این عرصه.

■ **یک عشق جنجالی؛ دیدار (۱۳۷۲)**

یک ساختار شکنی محض و جسورانه. محمدرضا هنرمند با فیلم «دیدار» با بسازی مهراں مدیری بر موضوعی دست گذاشته بود که پیش‌بینی می‌شد جنجالی شود که شد و حتی به محاق پرود که رفت. با دلخستگی امیر، پسر مسلمان به ژانت دختر ارمنی در هزار آبی مناسبات و مذویرت‌های اجتماعی، سنگ‌اندازی‌های سنت و مخالفت خانواده‌ها گرفتار می‌شود و تالیه بر تنگاه پیش می‌رود اما اکسیر عشق را چریدر بر تمام تضاده‌ها و ملاحظات و این دلدادگی، با اسارت امیر جولانده می‌شود و رنگ و بوی ابدی به خودمی گیرد. همه چیز از یک اتفاق شروع می‌شود؛ سرقت دوربین ژانت در تالغ غل. امیر در پی دزد می‌گزارد و دوربین را به صاحب بازمی گرداند و همان جا جرقه زده می‌شود. مخالفت‌ها اما ژانت را وامی‌دارد تا به خواستگاری امیر پاسخ منفی بدهد، چاره و ناچار. چرخ روزگار می‌چرخد؛ ژانت پدر و مادرش را در یک بمباران هوایی از دست می‌دهد؛ برادر سرباز تازه از جبهه برکنشماش با مشکلات روحی دست و پنجه نرم می‌کند؛ احساس تنهایی یاد یار قدیمی که حالا هم به جبهه رفته است. ژانت برای امیر نامه می‌فرستد و او را می‌طلبد. یک بله ضمنی معشوق به عاشق. امیر بازمی‌گردد و ازدواج سر می‌گیرد. در رجعت دوبارهاش به جبهه اما اسیر می‌شود و در موسم آزادی ژانت را می‌بیند که پیرنگ دستانش را به تناسیقش آمده است. فیلم در زمان اکران با مخالفت‌های جدی روبه‌رو می‌شود تا آنجا که خیلی زودتر از حد انتظار از پرده پایین می‌آید. «دیدار» در مقام یک ملودرام اجتماعی که پیرنگ داستانش را بر بستر مقوله اسارت و بازگشت آزادگان بنامی‌کند، دستکم در زمان خود که مخاطب از شعارزدگی و گیشه‌گرایی برخی آثار این چنینی دلزده شده است، یک اثر قابل اعتنا و پیشرو محسوب می‌شود. جوان اول فیلم را بازیگری ایفا می‌کند که یک سال بعد پله‌های ترقی را دو تا یکی می‌پیماید و می‌شود آقای خنده تلویزیون؛ مهراں مدیری.

■ **رزار، رزاشد کیمیا (۱۳۷۲)**

کیمیا ساخته احمد رضا درویش رنج مضاعف، مرارت بعد از این، مسائل و مشکلات آزادگان پس از راهایی را به تصویر می‌کشد. از لحن حماسی و بیش و کم اغلب آثار ساخته شده با محوریت اسرای ایرانی فاصله می‌گیرد و بر ملاحظات انسانی و عواطف درهم گره خورده متمرکز می‌شود. رضا همسر باردارش را به بیمارستان می‌رساند و خود اسیر می‌شود. پس از ۹ سال که از اسارت بازمی‌گردد درمی‌یابد که همسرش در هنگام وضع حمل فوت کرده و دخترش نزد شکوه، جراحی که همسرش را عمل کرده در مشهد زندگی می‌کند. رضا در پی دخترش که حالا برای او حکم کیمیا را پیدا کرده می‌رود، نامش هم کیمیاست. شکوه اما کیمیا را دختر خود می‌داند و حق و سهمش از زندگی، چالش‌ها آغاز می‌شود. حس پدرانۀ چشم در چشم مهر مادرانه، شکوه که عرصه را تنگ می‌بیند در

فیلمنامه‌ای را دست می‌گیرد که به طور مستقیم و بی‌واسطه به آزادگان و چشم‌انتظاری خانواده‌هایشان تمرکز دارد. دایمی غفور که خود گمشده‌ای دارد، به طور اتفاقی شیرین را از فرودگاه به خانه می‌رساند که آمده تا مگر رد و نشانی از برادرش بگیرد. درد مشترک این دورا به هم نزدیک می‌کند. دایمی غفور، شیرین را نیز چشم به راه و امیدوار نگه می‌دارد. «بوی پیراهن یوسف» بدون شک همچنان و به شدت یکی از آثار قابل قبول و قابل دفاع در میان فیلم‌های ساخته شده حول محور آزادگان ایرانی است. فیلم سکانس‌های نفسگیر کم ندارد. مثالش، سکانس روززن چندین باره دایمی غفور بر دور میدان آزادی تا شیرین سال‌ها دور مانده از وطن جان بگیرد یا دیدن و خرامیدن هیجان‌زده دایمی غفور در میان اتوبوس‌های حامل آزادگان برای یافتن نشانی از یوسفش. سکانس طلایی «بوی پیراهن یوسف» اما آنجاست که اصغر، داماد دایمی غفور که معالجه‌اش در آلمان را نیمه‌تمام گذاشته، به کشور بازمی‌گردد و با دختر خردسالش مواجه می‌شود. اصغر آغوش می‌گشاید تا در دانه‌اش را دربرگیرد؛ دخترک اما از چهره پدر که همچنان نشانه‌هایی باز از سوختگی را در خود دارد می‌هراسد و چند قدم به عقب برمی‌گردد... پس از مکتی کوتاه، خود را در آغوش پدرهای می‌کند؛ گویی که محبت دخترانش غلبه می‌کند بر راهمه و غافلگیری ابتدایی‌اش از دیدن صورت سوخته پدر. در این سکانس، ابراهیم حاتم‌کیا که در سیاقی هیجکا‌کلور خود حضوری دارد قرار می‌گیرد، توأمان، فیلم برنده جایزه ویژه هیئت داوران سیزدهمین جشنواره فجر می‌شود و البته یک سیمرخ دیگر را برای مرحوم خسرو شکیبایی پس از «هامون» به ارمان می‌آورد. «کیمیا» از یک مثلث بازیگری فوق‌العاده متبحر و قدر بهره می‌برد؛ خسرو شکیبایی، بیتا فرهی و رضا کیانیان.

■ **نبردی دیگر (۱۳۷۴) سرگرد مشعل و حاج‌رسول**

«نبردی دیگر» را باید‌ساز زایوسه ظرفیت‌ها و قابلیت‌های یک سریال تلویزیونی مورد مذاقه و نقد قرار داد. هر چه هست، سریال عبدالله یاکیده در سال‌های میانی دهه ۷۰ مخاطبان فراوانی را پای گیرنده‌های خانگی می‌نشاند تا ماجرای حاج‌رسول و سرگرد مشعل را تعقیب کنند. داستان «نبردی دیگر» در اردوی اسرای ایرانی در عراق می‌گذرد و همان سنگخیزی‌ها و آزار و اذیت‌هایی که در اغلب مجموعه‌های تلویزیونی از سوی زندانیان متغیر و کینه‌توز عراقی به نام‌ها روا داشته می‌شود، نقطه عطف سریال اما جست‌وجوی بی‌امان یک سرگرد استخبارات عراق به نام مشعل است که در پی یکی از فرماندهان خانگی می‌نشاند تا ماجرای رستگار تمام اردوهای اسرا را زیر پای گذارد. حاج‌رسول صورت این سرگرد عراقی را در عملیات جزایه با آربی جی سوزانده و حالا سخت به دنبال انتقام است. تمام کنش و واکنش‌های سریال حول همین شناسایی و انتقام گور چرخ می‌زند. مرحوم اکبر سنگی شاید در ماندگارترین نقش تمام دوران زندگی حرفه‌ای‌اش، ابداع یک شخصیت سادیس‌ت را به خوبی از آب و گل درمی‌آورد؛ سابر اسرا که تنی چند از آنها حاج‌رسول را می‌شناسند در مقابل همه شکنجه‌های مشعل تاب می‌آورند و نام و نشانی از حاج‌رسول بروز نمی‌دهند. درست در روز آزادی اسرا، مشعل که حاج‌رسول را شناسایی کرده، درصدد انتقام برمی‌آید که البته ناکام می‌ماند تا همه چیز بر وفق مراد و خواسته بیننده تلویزیونی باشد. سریال عبدالله یاکیده فارغ از همه نقاط ضعف و قوتش اما در نهایت یک اثر مخاطب‌برسبلند بیرون می‌آید.

■ **بوی پیراهن یوسف (۱۳۷۴)**

غفور در پی یوسفش است و شیرین، خسرویش را می‌طلبد. ابراهیم حاتم‌کیا در دوره هفتم جشنواره



کیمیا ساخته

احمد رضا درویش

رنج مضاعف، مرارت

بعد از مسائل و

مشکلات آزادگان

پس از راهایی را به

تصویر می‌کشد. از

لحن حماسی و بیش و

کم اغلب آثار ساخته

شده با محوریت

اسرای ایرانی

فاصله می‌گیرد و بر

ملاحظات انسانی

و عواطف در هم

گره خورده متمرکز

می‌شود

درد

چه کسی می‌تواند باور کند کارگردان «چارچنگولی» و «گشت ارشاد» روزی روزگاری نه چندان بعید فیلم متفاوتی چون «مردی شبیه باران» را ساخته باشد؟! «مردی شبیه باران» یک فیلم خاص است در میان آثاری که با محوریت یا نگاهی به اسرا و آزادگان ایران ساخته شده

دفاع مقدس هم تقریباً تمام جوایز را درو می‌کند تا «مردی شبیه باران» مطلقاً خوش‌برای کارگردان جوانش باشد که از مشهد می‌آید. یوسف آنکه چنین فیلمی با موضوع و ساختاری متفاوت و پرشمار جویازی که به خود اختصاص می‌دهد مهجور می‌ماند، حتی تا به امروز.

■ **بازگشت پرستوها (۱۳۷۶) نیر ویرمور محفظة اسرا**

همان همیشگی، مطابق آنچه از تلویزیون انتظار می‌رود، دوباره سخته‌ها و مشقت‌ها و آنچه بر سر اسرای ایرانی می‌رود در اردوگاه‌های عراق جمع خوب‌ها و بد‌ها، زندانیان از هیچ پشتی‌ای فروگذار نمی‌کنند و زندانیان ایستاده‌اند پسان کوه‌های استوار. سیاست طهمورت در نقش یک زندانیان قسبی‌القلب از هیچ کنش رذیلت‌های ر و بگردان نیست تا مگر اسرای ایرانی را بیشتر بیازارد؛ اسیرانی از پیرمرد موی سفید کرده گرفته تا نوجوانی که تازه پشت لبش جوانه زده، که بهروز شعبانی باشد. یکی از سکانس‌های ماندگار سریال «بازگشت پرستوها» حبس کردن اسرا در یک محفظة فلزی است که در زیر نور مستقیم آفتاب، داغ و تبدار شده و بعد، برای آنکه میزان حرارت و گرم‌ای این محفظة نشان آزادگان دارد و معضلی را دستمایه قرار مرغ نیرمور می‌کنند و می‌خورند. داستان سریال در میان اردوگاه اسیران و خانواده‌هایی که چشم به راه بازگشت عزیزان‌شان دارند در رفت و آمد اسارت کشا این چشم‌انتظاران البته از نوع نوشتن را بازیگرانی همچون کنایون ریاحی، تانیا جوهری و گیتی سلطانی بازی می‌کنند. «بازگشت پرستوها» مانند اغلب آثار این چنینی در تلویزیون پر است از دیالوگ‌های به شعار پهلوزده

■ **شیار ۱۴۲ (۱۳۹۲) ددنگی‌های الفت**

رنگس آبشار از قصه‌ای واقعی وام می‌گیرد تا منظومه و چشم‌انتظاری معصومانۀ مادران اسرا را به تصویر بکشد که اتفاقاً حاصل کار می‌شود اثری ماندگار و قابل دفاع به نام «شیار ۱۴۲». علاقه الفت به تنها پسرش، به عشق‌های افسانه‌ای پهلوی می‌زند. عاشقانه‌های مادر تمیز ندارد. باور مرگ فرزند برای او محال به نظر می‌رسد. اسرا می‌آیند اما فرزند الفت نه، نه خودش و نه بیکرش. زن میاسال اما سرحال دیروزی و بیزرن فوت و دم خمیدۀ امروز بی‌شمار ۱۴۲ را می‌دهد؛ همان جا که پیکر او سال‌هاست روی زمین مانده و پر از مین است. سربازان مژگون در ابتدا خوابش را جدی نمی‌گیرند و حواله می‌دهد به پریشان حالی ذاتی‌اش؛ خواب اما تکرار می‌شود و باقیمانده حبس، پیدا، حاصل عملیات تیم تقصص و سکانس پایانی از خواب، فیلم آپار شکل می‌گیرد. آنجا که الفت باقیمانده پیکر درانه‌اش را چون قنداق ایام کودکی به آغوش می‌گیرد و برایش لالایی می‌خواند. «شیار ۱۴۲» یک میرا زارعی متفاوت را در خود دارد که هنرمندانه در شمایلی یک مادر چشم‌انتظار خوش می‌درخشد و البته مهراں احدی را که بی‌نظیر است. میرا زارعی برای این فیلم سیمرخ بهترین بازیگر نقش اول زن را از وی و دومین جشنواره فیلم فجر از آن خود می‌کند.

پنداشته و تن به زندگی جدیدی داده‌اند و حالا با آگاهی از زنده بودن شوهرانشان، بر سر دوراهی ماندن یا رفتن ایستاده‌اند. فیلم در راستای موضوع جدید و ساختار شکنانه خود در پایان نیز به ورطه شعارزدگی نمی‌غلند و فینالی متفاوت و واقع‌گرایانه را برای مخاطب تدارک می‌بینند. سرانجامی که شاید به مذاق بیننده خوش نیاید اما برآمده از واقعیتی است که در جامعه جریان دارد.

■ **اخراجی‌ها ۲ (۱۳۸۸) واویلایی**

یک نگاه سطحی و سهل‌الوصول به مسئله اسارت. زندان را تفرجگاه دیدن، زندانیانسان عده‌ای ابله و عقیم‌دسته ذهنی دوستان مجید سوزوکی که حالا و راز مانده‌اند؛ اسیر می‌شوند و به زندان منتقل و هر چه شیرین کاری و طنزآیی را که بلد هستند رومی‌کنند تا مگر خنده‌ای از مخاطب بگیرند. مسعود دهنمکی در «اخراجی‌ها ۲» تقریباً هر چه به دستش رسیده را در فیلمنامه گنجانده تا به فیلمش رنگ و لعاب کم‌دی بدهد. او به موازات اسارت یاران مجید سوزوکی در عراق، داستان یک هواپیمابایی توسط منافقین در ایران را نیز طرحی می‌کند تا

بازگشت پرستوها (۱۳۷۶) نیر ویرمور محفظة اسرا
همان همیشگی، مطابق آنچه از تلویزیون انتظار می‌رود، دوباره سخته‌ها و مشقت‌ها و آنچه بر سر اسرای ایرانی می‌رود در اردوگاه‌های عراق جمع خوب‌ها و بد‌ها، زندانیان از هیچ پشتی‌ای فروگذار نمی‌کنند و زندانیان ایستاده‌اند پسان کوه‌های استوار. سیاست طهمورت در نقش یک زندانیان قسبی‌القلب از هیچ کنش رذیلت‌های ر و بگردان نیست تا مگر اسرای ایرانی را بیشتر بیازارد؛ اسیرانی از پیرمرد موی سفید کرده گرفته تا نوجوانی که تازه پشت لبش جوانه زده، که بهروز شعبانی باشد. یکی از سکانس‌های ماندگار سریال «بازگشت پرستوها» حبس کردن اسرا در یک محفظة فلزی است که در زیر نور مستقیم آفتاب، داغ و تبدار شده و بعد، برای آنکه میزان حرارت و گرم‌ای این محفظة نشان آزادگان دارد و معضلی را دستمایه قرار مرغ نیرمور می‌کنند و می‌خورند. داستان سریال در میان اردوگاه اسیران و خانواده‌هایی که چشم به راه بازگشت عزیزان‌شان دارند در رفت و آمد اسارت کشا این چشم‌انتظاران البته از نوع نوشتن را بازیگرانی همچون کنایون ریاحی، تانیا جوهری و گیتی سلطانی بازی می‌کنند. «بازگشت پرستوها» مانند اغلب آثار این چنینی در تلویزیون پر است از دیالوگ‌های به شعار پهلوزده

■ **شیار ۱۴۲ (۱۳۹۲) ددنگی‌های الفت**

رنگس آبشار از قصه‌ای واقعی وام می‌گیرد تا منظومه و چشم‌انتظاری معصومانۀ مادران اسرا را به تصویر بکشد که اتفاقاً حاصل کار می‌شود اثری ماندگار و قابل دفاع به نام «شیار ۱۴۲». علاقه الفت به تنها پسرش، به عشق‌های افسانه‌ای پهلوی می‌زند. عاشقانه‌های مادر تمیز ندارد. باور مرگ فرزند برای او محال به نظر می‌رسد. اسرا می‌آیند اما فرزند الفت نه، نه خودش و نه بیکرش. زن میاسال اما سرحال دیروزی و بیزرن فوت و دم خمیدۀ امروز بی‌شمار ۱۴۲ را می‌دهد؛ همان جا که پیکر او سال‌هاست روی زمین مانده و پر از مین است. سربازان مژگون در ابتدا خوابش را جدی نمی‌گیرند و حواله می‌دهد به پریشان حالی ذاتی‌اش؛ خواب اما تکرار می‌شود و باقیمانده حبس، پیدا، حاصل عملیات تیم تقصص و سکانس پایانی از خواب، فیلم آپار شکل می‌گیرد. آنجا که الفت باقیمانده پیکر درانه‌اش را چون قنداق ایام کودکی به آغوش می‌گیرد و برایش لالایی می‌خواند. «شیار ۱۴۲» یک میرا زارعی متفاوت را در خود دارد که هنرمندانه در شمایلی یک مادر چشم‌انتظار خوش می‌درخشد و البته مهراں احدی را که بی‌نظیر است. میرا زارعی برای این فیلم سیمرخ بهترین بازیگر نقش اول زن را از وی و دومین جشنواره فیلم فجر از آن خود می‌کند.

آگهی دادنامه

رای دادگاه

در خصوص قرار عدم صلاحیت صادره از شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو زاهدان مبنی بر تعیین تکلیف اموال مکشوفه از دو متهم پرونده به شرح گزارش مرجع انتظامی به دلیل عدم شناسایی مالک آنها نظر به اینکه برابر قبض رسید انبار ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) اموال مکشوفه به دلیل مستعمل و شکسته بودن فاقد ارزش بوده و امکان استفاده از آنها به لحاظ اینکه مالیت ندارد ممکن نیست لذا نگهداری آنها توجیح اقتصادی نداشته و از مصادیق اموال در اختیار ولی قبیله نمی‌باشد. دادگاه مستنداً به مفهوم مخالف اصول ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی و مواد ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ و ۵ آئین نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ قانون اساسی و حکم حکومتی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و با عنایت به عدم امکان فروش مستقیم اموال به تکلیفی نبوده حکم به امحاء آن صادر و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی است و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و ظرف مهلت بیست روز پس از انقضاء مهلت واخواهی قابل تجدید نظر خواهی در شعب محترم دادگاه تجدید نظر استان تهران می‌باشد. قاضی دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان سیستان و بلوچستان محمدرضا صدری

آگهی دادنامه

پرونده کلاسه ۰۰۰۰۷۱۸۰۰۹۸۵۴۱۱۸۰۰۹۸۵۴۱۱۸۰۰۰۳۵ شعبه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۵۴۱۱۸۰۰۰۳۵ خواهان: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) با نمایندگی آقای محمود ملاشاهی حسنخان فرزند محمد به نشانی استان سیستان و بلوچستان، شهرستان زاهدان، شهر زاهدان، بشارت ۱۴، زیباشهر، انتهای میلان سمت راست. خواسته: تعیین تکلیف سلاح‌های غیر مجاز. پرونده کلاسه ۰۰۰۰۷۱۸۰۰۰۹۸۵۴۱۱۸۰۰۰۳۵ شعبه دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی انقلاب اسلامی شهرستان زاهدان تصمیم نهایی شماره ۹۸۰۹۹۷۵۴۱۱۸۰۰۰۳۵ خواهان: ستاد اجرایی فرمان حضرت امام ره استان سیستان و بلوچستان موضوع: تعیین تکلیف سلاح‌های غیر مجاز

رای دادگاه

در خصوص درخواست رئیس حوزه قضایی شهرستان ایرانشهر مبنی بر تعیین تکلیف سلاح‌های مکشوفه غیر جنگی به شرح گزارش حفاظت اطلاعات تیپ ۳۸۸ ارتش جمهوری اسلامی ایران مستقر در ایرانشهر نظر به اینکه سلاح‌های مکشوفه از نوع سلاح غیر جنگی و قابلیت خرید و فروش داشته و مالکین آنها پس از تحویل سلاح جهت اخذ مجوز به واحد مذکور مراجعتی نداشته و بیش از ۵ سال است که بلا تکلیف در انبار تیپ ۳۸۸ ارتش نگهداری می‌شود و موضوع از مصادیق اموال رها شده بوده که اعراض مالکین آنها نیز با توجه به عدم مراجعت عرفی برای دادگاه محرز گردیده و سلاح‌های فوق الذکر از مصادیق اموال در اختیار ولی قبیله می‌باشد دادگاه مستنداً به اصول ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی و مواد ۸ قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ و ۵ آئین نامه نحوه رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ قانون اساسی و حکم حکومتی حضرت امام (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) حکم به ضبط سلاح‌های مکشوفه به شرح لیست ضم پرونده به نفع ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) صادر و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی است و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این شعبه و ظرف مهلت بیست روز پس از انقضاء مهلت واخواهی قابل تجدید نظر در شعب محترم دادگاه تجدید نظر استان تهران می‌باشد.

قاضی دادگاه اصل ۴۹ قانون اساسی استان سیستان و بلوچستان محمدرضا صدری

اداره کل ثبت اسناد واملاک استان بوشهر

آگهی تحدید حدود اختصاصی

نظر به اینکه هیئت اختلاف مستقر در ثبت گناهه مالکیت به تصرفات مفروزی و مالکانه خاتم شهبلا حسینی را نسبت به شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۳۲۱/۱۰ متر مربع پلاک ۱۷/۱۲۳۶ واقع در امامزاده گناهه بخش ۶ بوشهر برابر رای شماره ۰۰۰۳۳۲۸۲ مورخ ۱۳۹۶/۱/۱۵/۱۳۹۷ تصدیق نموده و آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۱۳ آیین نامه‌ی قانون تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی و قانون ثبت نیز منتشر گردیده. لذا آگهی تحدید حدود اختصاصی آن به استناد مادّین ماده ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت و تبصره ذیل ماده ۱۳ آیین نامه‌ی تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی ساختمان‌های فاقد سند رسمی جهت قسمت مورد تصرف خاتم شهبلا حسینی منتشر و به اطلاع متصرف نامبرده و مجاورین و صاحبان حقوقی ارتقاقی می‌رساند که عملیات تحدیدی ۴ ساعت قبل از ظهر مورخ ۹۸/۶/۱۶ در محل شروع به عمل خواهد آمد. لذا بدینوسیله از متصرف نام برده و مجاورین دعوت می‌شود در وقت تعیین شده فوق در محل وقوع ملک حضور یابند واخواهی نسبت به حدود و حقوق ارتقاعی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورت تجسسه تحدید ثبتی مصوب ۷۲/۲/۲۵ ظرف مدت یک ماه معترضین نسبت به حدود و حقوق ارتقاعی مکلفن مطابق تبصره ماده ۱۶ آیین نامه قانون ثبت و تبصره ۱ ماده واحده قانون تعیین و تکلیف صورت تجسسه تحدید ثبتی مصوب ۷۲/۲/۲۵ ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض کتبی به اداره ثبت دادخواست به مراجع قضائی جهت وقوع ملک تسلیم و تصدیق گواهی به جریان دعوی را به جهت محسوس در پرونده از دادگاه مربوط به اخذ و نه ثبت تسلیم نمایند والا حق آنان ساقط می‌شود.

م‌الف: ۸/۹/ مجید امیری- رئیس اداره ثبت اسناد واملاک گناهه

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان

تلفنی

آگهی می‌پذیرد

۸۸۳۴۱۶۵۴

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید تیپ صبا جی . تی. ایکس مدل ۱۳۸۰ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸-۵۳۸ س ۵۱ و شماره موتور۰۰۳۲۹۷۶-۱۱ شماره شناسی S1412280710952 متعلق به آقای مهرداد مسعود انصاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.